

پیش از این، چند ویژگی اختصاصی انسان، ناشی از کیفیت خلق و آفرینش وی، معرفی شد. اکنون، در این شماره، ویژگی‌های دیگری از فطرت انسان را معرفی می‌نماییم.

# ایمان، اعمال، اخلاق و نیت

مهدی فیض  
نوید خلعتبری

در انسان‌شناسی قرآنی

حکمت شانزدهم

یک تقسیم‌بندی ساده

باطنی او پیوسته است؛ (مثلاً حمله کردن به افراد که ناشی از غلیان و خشم درونی است. منظور از **اخلاق**، صفات باطنی و ملکات نفسانی است؛ یعنی آن روحیه‌ای که در انسان وجود دارد. بالاخره **نیت**، که به انگیزه، میل، هدف و آرمان اشاره دارد. می‌دانیم که اعمال بر اخلاق اثرگذار است، این را هم باید دانست که این تأثیر می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. برای مثال، اگر عمل «اخم کردن» من نسبت به یک دانش‌آموز، با «انگیزه» تخلیه ناراحتی روحی‌ام و یا حتی از یک موضوع دیگر، مثلاً فتنسارهای اقتصادی، باشد، من در واقع از نظر «اخلاقی» افت می‌کنم. اما اگر با نیت اصلاح دانش‌آموز باشد، اثر مثبت بر اخلاق من می‌گذارد و مرا به انسانی دلسوزتر و خیرخواه‌تر تبدیل می‌کند. همین اعمال، بر ایمان من هم اثر می‌گذارد. هر «عمل» خطا که از «نیت» سرچشمه بگیرد، ایمان را خدشه‌دار می‌کند؛ چنانکه عمل با نیت خیر، ایمان انسان را افزایش می‌دهد.

اینکه بخواهیم مؤلفه‌های وجودی انسان را از هم تفکیک کنیم، کاری است ناشی از تساهل و تسامح، زیرا وجود انسان وجودی یکپارچه است؛ با وجود این برای اینکه بتوانیم این وجود یکپارچه را بهتر بشناسیم، ناگزیریم مؤلفه‌های آن را به صورت متمایز از یکدیگر شناسایی کنیم. در عین حال، ما در کنار تجزیه، از ترکیب مؤلفه‌ها نیز صحبت می‌کنیم تا وجود انسان را در حالت ترکیب و به صورت یکپارچه - و نه جزء به جزء - بشناسیم. با این مقدمه، از «چهار مؤلفه» در وجود انسان نام می‌بریم و با عنایت به «تأثیر متقابل» آن‌ها بر یکدیگر سعی می‌کنیم از جزئی‌نگری و نگاه محدود دوری کنیم. این چهار مؤلفه، که تا حدودی مستقل ولی در تأثیر و تأثر با یکدیگرند عبارت‌اند از: **ایمان، اعمال، اخلاق و نیت**.

منظور از **ایمان** باورهایی است که با قلب انسان گره خورده است و در واقع با جنبه‌های دیگر وجود انسان، «مرتبط» شده است. منظور از اعمال، رفتارهای ظاهری انسان است که البته به رفتارهای

## حکمت هفدهم

### نقش مرکزی نیت

می پرستیم تا وسیله نزدیکی مان به خدای یکتا شوند. خدا در آنچه اختلاف می کنند میانشان حکم خواهد کرد. البته خداوند آن را که دروغگو و ناسپاس باشد هدایت نمی کند.» [زمر/۳]

بی تردید منظور از این آیه، تأیید خطای بت پرستان نیست، بلکه ارزش و اهمیت نیت تقرب به خدا را بازگو می کند. نقش نیت مثبت آنقدر اساسی است که اگر همراه با باوری صحیح باشد هم خود انسان و تفکراتش ارتقا پیدا می کند و هم در جامعه اثر می گذارد و تفکرات مألوف مردم را به چالش می کشد. آیه ۴۶ سبأ به این نکته اشاره می کند: «بگو شما را فقط به یک چیز اندرز می دهیم: دو نفر دو نفر و یا به تنهایی برای خدا قیام کنید. سپس بیندیشید، تا بدانید که در یار شما (پیامبر صلی الله علیه و آله) هیچ دیوانگی نیست. بلکه اوست که شما را از آمدن عذابی شدید بیم می دهد.»

اساسی بودن نقش نیت تا آنجاست که حتی اگر انجام عمل خطا ناشی از یک نیت مثبت باشد، ایمان را افزایش می دهد. اینکه گفته می شود «انما الاعمال بالنیات»، منظور این است که ملاک هر عملی نیتی است که در پشت آن عمل نهفته است. حتی عمل بت پرستی با نیت خیر، می تواند، و نه لزوماً، در درازمدت به نجات انسان و رسیدن به باورهای صحیح و ایمان حقیقی منتهی شود که خود این ایمان، تصحیح عمل را نیز با خود خواهد داشت. قرآن کریم در سوره زمر آیه ۳، به عمل نادرست بت پرستان و نیت آنان که بر زبان می آورند، اشاره می کند و سپس «داوری» در مورد آن را به خداوند «واگذار» می کند، و البته به این نکته هم اشاره می کند که اگر این نیت آنان دروغگویی و ناسپاسی باشد، از هدایت محروم می شوند: «آگاه باش که دین خالص از آن خداست اما آنان که سوای او دیگری را به خدایی گرفته اند، می گویند ما بتان را از آن رو

**اگر عمل «اخم کردن» من نسبت به یک دانش آموز، با «انگیزه» تخلیه ناراحتی روحی ام و یا حتی از یک موضوع دیگر، مثلاً فشارهای اقتصادی، باشد، من در واقع از نظر «اخلاقی» افت می کنم**

## حکمت هجدهم

### (نیت) قیام برای خدا

می آورد. همه چیز در این قیام لله است، و لهذا تنها موعظه‌ای که انتخاب کرده خدای تبارک و تعالی از بین موعظه‌ها همین موعظه است که ان تقوموا لله مثنی و فرادی؛ اجتماعی و انفرادی قیام لله بکنید. انفرادی برای وصول به معرفت الله، اجتماعی برای وصول به مقاصد الله. و من امیدوارم خدای تبارک و تعالی به ما و شما و به همه ملت‌ها توفیق عنایت کند که این راه را برویم و برای خدا کارها را انجام بدهیم.» (صحیفه امام (ره)، ج ۱۸)

\* «خدای تعالی در این کلام شریف [آیه یادشده]، از سرمنزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میانه تمام مواظب انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است. قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلت رسانده و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت رهانده:

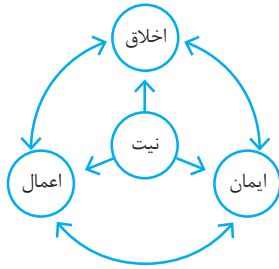
خلیل آسا در علم الیقین زن

ندای «لا احب الاقلمین» زن. [مولوی]

این نکته مهمی در شناساندن نقاط شروع جریان تعلیم و تربیت در جامعه است که قرآن پیش پای دلسوزان و مربیان و معلمان می گذارد. در اینجا به دو گفتار از امام خمینی (ره) در این زمینه اشاره می شود. چه بسا این گفتارها موجب دگرگونی نگرش دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، و دلگرمی آنان شود. مطالب داخل [ ] از نویسندگان است:

\* «[باور صحیح]: اگر ما توانستیم این مطلب را به قلب خودمان وارد کنیم که هر چه هست از اوست، دیگر نه از شکست می ترسیم، نه از چیز دیگر. همه از اوست، و اگر این معنا در قلب ما حاصل باشد شکست هم نیست در کار. [نشان دادن نیت]: برای خدا قیام کنید: انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله، از تمام موعظه‌ها خدای تبارک و تعالی [یکی را] انتخاب کرده؛ این یک موعظه را: قل انما اعظکم بواحدة؛ یعنی [می گوید]: همین یکی را من موعظه می کنم، چون همه چیز در اینجاست: انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله، همه چیز در قیام لله است. قیام لله، معرفت الله می آورد. قیام لله فدایی برای الله می آورد. قیام لله فداکاری برای اسلام





مراکز علم قرآن را مرکز فحشا کرده. قیام برای خود است که موقوفات مدارس و محافل دینی را به رایگان تسلیم مشتی هزره گرد بی شرف کرده و نفس از هیچ کس در نمی آید. قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زنها عقیف مسلمان برداشت و الان هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی علیه آن سخنی نمی گوید. قیام برای نفع های شخصی است که روزنامه ها که کالای پخش فساد اخلاق است، امروز هم همان نقشه ها را که از مغز خشک رضاخان بی شرف تراوش کرده، تعقیب می کنند و در میان توده پخش می کنند. قیام برای خود است که مجال به بعضی از این وکلای قاچاق داده که در پارلمان علیه دین و روحانیت هر چه می خواهد بگوید و کسی نفس نکشد.

هان ای روحانیون اسلامی! ای علمای ربّانی! ای دانشمندان دیندار! ای گویندگان آیین دوست! ای دینداران خداخواه! ای خداخواهان حق پرست! ای حق پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطنخواه! ای وطنخواهان با ناموس! موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیش نهاد فرموده، بپذیرید و ترک نفع های شخصی کرده تا به همه سعادت های دو جهان نایل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم، دست در آغوش شوید...» (صحیفه امام (ره)، ج ۱)

قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به مقام صعق<sup>۱</sup> و صخو<sup>۲</sup> کشاند. قیام برای خداست که خاتم النبیین - صلی الله علیه و آله - را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بتها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را به مقام «قاب قوسین أو أدنی»<sup>۳</sup> رساند.

[اشاره به ادامه معنای آیه - نویسنده] خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران در آورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده. قیام برای نفس است که بیش از ده میلیون جمعیت شیعه<sup>۴</sup> را به طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه مشتی شهوت پرست پشت میزنشین شده اند. قیام برای شخص است که یک نفر ..... بی سواد [رضاخان پهلوی] را بر یک گروه چندین میلیونی چیره می کند که خرث و نسل آنها را دستخوش شهوات خود می کند. قیام برای نفع شخصی است که الان هم چند نفر کودک خیابانگرد را در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده. قیام برای نفس اماره است که مدارس علم و دانش را تسلیم مشتی کودک ساده کرده و

## حکمت نوزدهم

### بهادادن به احتمال برآمدن از فطرت

با استفاده از این آیات می توان گفت که در واقع، گمان و احتمال فرد به نتایج یک عمل، تکیه گاه خوبی برای اصلاح و تغییر در عمل است. چرا که، با تغییر عمل فرد، به تدریج ایمان ظنی وی، تبدیل به ایمان قطعی می شود. البته متأسفانه در اکثر ترجمه های قرآن، کلمه ظن در این آیات مترادف واژه یقین ترجمه شده است و لذا ارزش کاربردی ظن صحیح را از بین برده است.

در حکمت های دیگری خواهیم دید که لایه های وجود انسان متعدّدتر و متنوع تر است از آنچه گفته شده. ان شاء الله در شماره های بعدی، دیگر ویژگی های اختصاصی انسان بررسی می شود.

نکته مهم دیگری که در رابطه با نمودار یاد شده و مؤلفه های وجودی انسان باید یادآور شد این است که نقطه شروع برای تصحیح عمل انسان، داشتن گمان (احتمال بالای ۵۰٪) نسبت به پیامد آن عمل است و نه لزوماً داشتن یقین و باور حتمی به پیامد آن. در این آیه که از زبان بهشتیان است تأمل کنید:

..انّی ظننت أنّی ملاق حسابه (حاقه: ۲۰)

(اهل بهشت گویند: من گمان داشتم که حساب اعمالم را می بینم و در مقابل، از زبان خطاکاران فرماید:

..ألا یظنّ أولئک أنّهم مبعوثون؟ (مطففین: ۴)  
آیا اینان (گرانفروشان) گمان ندارند که در قیامت برانگیخته می شوند (و باید پاسخگو باشند)؟

#### \* پی نوشت ها

۱. بیهوشی و در اصطلاح عرفان به معنی فناى عبد سالک. اشاره به اعراف: ۱۴۳.
۲. هوشیاری و در اینجا بقای بالله پس از فناى فی الله. و بازگشت به عالم ناسوت برای امتثال امر رب جلیل.
۳. اشاره به آیه ۹، سوره نجم.
۴. این سخن امام خمینی به دهه ۱۳۱۰ مربوط است.